

An Analysis of the Views of Prominent Jurists on the Transmission of Impurity to Added Water and Large Quantities of Liquids Contacting Impurity¹



Shayan Masoudi Pour¹ 

Narges Tabesh²

Mohammad Heydari³

1. Level Two Seminary Student, Fatemiyoun Seminary, Ahvaz, Iran (Corresponding Author).

Email: shayanmasoudipour1@gmail.com

2. Level Two Seminary Student, Imam Khomeini Seminary, Bandar Imam Khomeini, Iran.

Email: n1majnon@gmail.com

3. Ph.D. in Islamic Theology, Amir al-Mu'minin University, Ahvaz, Iran.

Email: a9398568517@gmail.com

Abstract

With advancements in science and technology, the use of large quantities of liquid—such as industrial containers for liquid dairy products, beverages, plant extracts, liquid cosmetics, detergents, etc.—has significantly increased. The transmission of impurity (*najāsa*) in such cases can lead to considerable economic losses. Therefore, answering the question of whether impurity spreads throughout *added water* (*mā muḍāf*) and large volumes of liquid upon contact with *najāsa* is of significant importance. This article, by presenting arguments for non-transmission, contends that the narrations on impurity transmission do not apply to large volumes of liquid due to the specific and limited nature of their subjects. Moreover,

¹

of prominent jurists on the transmission of impurity to added water and large quantities of liquids in contact with impurity. *Journal of Fiqh*, 32(122), pp. 115-138.
<https://Doi.org/10.22081/jf.2025.70028.2848>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2025/01/08 ■ **Revised:** 2025/04/30 ■ **Accepted:** 2025/06/30 ■ **Published online:** 2025/08/01

© The Authors



the narrations are primarily concerned with small quantities of liquid. Based on this, the non-transmission of impurity in large quantities of liquid is established. The principle of purity (*qa'idat al-ṭahāra*) and its continuity (via *istishāb*) are also applied to affirm the purity of large volumes of liquid that come into contact with impurity. This study, conducted using a descriptive-analytical method and based on library research, concludes that impurity does not spread throughout large quantities of liquid, and such liquids remain pure.

Keywords

Transmission of impurity; large quantities of added water; added water (*mā' muḍāf*); large volumes of liquid; impurity in added water

تحلیل دیدگاه مشهور فقها در سرایت نجاست آب مضاف و مایعات کثیر ملاقی نجاست^۱

شایان مسعودی پور^۱  نرگس تابش^۲ محمد حیدری^۳

۱. سطح دو حوزه، حوزه علمیه فاطمیه، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: hayanmasoudipouri@gmail.com

۲. سطح دو حوزه، حوزه علمیه حضرت امام خمینی (ره)، بندر امام خمینی (ره)، ایران.

Email: nirmajnon@gmail.com

۳. دکتری رشته کلام اسلامی، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع)، اهواز، ایران.

Email: a9398568517@gmail.com

چکیده

با پیشرفت علم و تکنولوژی، کاربردهای مایعات کثیر مانند مخازن بزرگ لبنیات مایع، نوشیدنی‌ها عصاره‌های گیاهان، لوازم آرایشی مایع، مواد شوینده و... رو به افزایش است و سرایت نجاست در آنها باعث ضررهای فراوان اقتصادی می‌شود. به همین دلیل پاسخ دادن به این پرسش که آیا سرایت نجاست در آب مضاف و مایعات کثیر، در تمام مایع محقق می‌شود یا خیر، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله با بیان ادله عدم سرایت، یعنی عدم شمول روایات سرایت نسبت به مایعات کثیر، با توجه به جزئی بودن موضوعات و انصراف روایات به سرایت در مایعات قليل، عدم سرایت نجاست در مایعات کثیر ثابت شده است. سپس با قاعده طهارت و استصحاب آن در مایع کثیر ملاقی با نجاست، طهارت

۱. **استناد به این مقاله:** مسعودی پور، شایان؛ تابش، نرگس؛ حیدری، محمد. (۱۴۰۴). تحلیل دیدگاه مشهور فقها در سرایت نجاست آب مضاف و مایعات کثیر ملاقی نجاست. فقه، ۳۲(۱۲۲)، صص ۱۱۵-۱۳۸.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70028.2848>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ ■ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ ■ تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰



مایع کثیر ملاقی با نجاست نیز نتیجه شده است. پژوهش حاضر که با روش تحلیلی-توصیفی و در فضای کتابخانه مورد بررسی قرار گرفته است، منتج به عدم سرایت نجاست در مایعات کثیر و طهارت آن شده است.

کلیدواژه‌ها

سرایت نجاست، آب مضاف کثیر، آب مضاف، مایعات کثیر، نجاست آب مضاف.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که بررسی آن از گذشته در میان فقها مطرح بوده است، مسئله‌ی سرایت نجاست در آب مضاف و همچنین سایر مایعات (غیر از آب مطلق) است. در این زمینه روایات متعددی وجود دارد و همچنین فتاوی مشهور فقها از آن خالی نیست. اما نکته‌ی قابل توجه این است که در زمان حاضر که با پیشرفت علم و تکنولوژی همراه است، موارد متعددی مانند عصاره‌های مختلف گیاهان، نوشیدنی‌ها، لبنیات مایع، لوازم آرایشی مایع، مواد شوینده و ... که همگی از مصادیق آب مضاف و مایعات کثیر هستند، در حجم‌های بسیار زیادی در مخازن بزرگ و متصل به یکدیگر نگهداری می‌شوند و اگر با ورود مقدار بسیار اندکی نجاست به درون آنها، نجاست به تمام آنها سرایت کند مشکلات زیادی از جمله مشکلات اقتصادی، عسر و حرج و ... حاصل می‌شود.

۱۱۹

فقه

بنابراین مشخص شدن این مسئله که حکم سرایت نجاست در مایعات کثیر و آب‌های مضاف چیست، اهمیت زیادی در جلوگیری از وقوع برخی مشکلات اقتصادی و ضررهای مالی هنگفت دارد و می‌تواند در جامعه‌ی امروزی ثمر ثمر باشد، زیرا اگر عدم سرایت نجاست و طهارت چنین مایعاتی ثابت شود، این مایعات قابل استفاده بوده و دور ریختن آنها لازم نیست.

مقاله «بررسی فقهی نظریه اتصال و امتزاج در تصفیه آب‌های آلوده» از آقایان مهدی عرفانیان، محمد جعفری هرنندی و سیدعلی حسینی، در شماره ۱ فصلنامه علمی-پژوهشی «فقه» سال ۱۴۰۰، و مقاله «قانون غلبه و کثرت در روایات» از آقای نعمت الله صالحی نجف آبادی که در شماره ۵۸ فصلنامه علمی-پژوهشی «فقه» سال ۱۳۸۷ چاپ شده‌اند نیز به موضوع بررسی سرایت نجاسات در آب کثیر پرداخته‌اند؛ با این تفاوت که در این دو مقاله منظور از آب کثیر، آب مطلق بوده در حالی که در مقاله پیش‌رو به موضوع بررسی سرایت نجاسات در آب مضاف و مایعات کثیر -غیر از آب مطلق- پرداخته شده است.

۱. مفهوم شناسی

آب در یک تقسیم بندی بر دو قسم است: آب مطلق و آب مضاف.

۱-۱. آب مطلق

واژه «مطلق» از ریشه « ط ل ق » در لغت به معنای چیزی است که هیچ قید و شرطی ندارد (مصطفی، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۵۶۴). و در اصطلاح فقهی آبی است که از فشرده شدن اجسام مانند آب هندوانه و انار و یا ممزوج شدن با چیز دیگر مثل آب شکر و آب نمک نباشد که به آن آب (بدون قید) گفته نشود (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۱۱).

۱-۲. آب مضاف

واژه «مضاف» از ریشه « ض ی ف » و در لغت به معنای اضافه بوده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۱۲) و در اصطلاح فقهی آب مضاف، آبی است که فشرده اجسام مثل آب هندوانه و انار و یا ممزوج با چیز دیگر به طوری شده باشد که به آن آب (بدون قید) گفته نشود مثل آب شکر و آب نمک (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۱۱).

۱-۳. ملاک تشخیص آب مضاف

ملاک در تشخیص مطلق و مضاف بودن آب مخلوط با چیز دیگر، عرف است پس اگر به مثل آب دریاچه ارومیه که از کثرت شوری و تلخی اسید گفته می شود در «عرف عام» به آن آب می گویند، مطهر است و اعتباری به اسید گفتن اشخاصی که نظر به خواص شیمیایی آن دارند نیست» (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۳۲، ص ۹۳)؛ همچنین است آب های معدنی، مثل آب گوگرددار سرعین اردبیل، که «در حکم آب مطلق است، مگر آنکه مواد معدنی به حدی زیاد باشد که دیگر به آن آب گفته نشود» (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۳۲، ص ۹۳).

۲. بررسی ادله قائلین سرایت نجاست در آب مضاف و مایعات کثیر

در میان فقهای اعلام، عده ای از فقهای متقدم، چون علامه حلی، محقق حلی، ابن

ادریس و شیخ طوسی و در میان فقهای معاصر، مرحوم یزدی و مرحوم خویی قائل به سرایت نجاست در مایعات کثیر و آب مضاف هستند در این بخش از مقاله، ادله‌ی ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. روایات

در این خصوص روایات متعددی وارد شده است که به ذکر سه مورد از آنها اکتفا می‌شود.

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَذْيَنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا وَقَعَتِ الْفَأْرَةُ فِي السَّمَنِ فَمَاتَتْ - فَإِنْ كَانَ جَامِداً فَأَلْقِهَا وَ مَا يَلِيهَا وَ كُلْ مَا بَقِيَ - وَ إِنْ كَانَ ذَائِباً فَلَا تَأْكُلْهُ - وَ اسْتَصْبِحْ بِهِ وَ الرَّيْتُ مِثْلُ ذَلِكَ؛ اگر موش در روغن افتاد و به مردار تبدیل شد، اگر روغن جامد بود مردار و اطراف آن را جدا کن و باقی آن را برای خوردن استفاده کن و اگر روغن مایع بود برای خوردن استفاده نکن و از آن برای روشنایی استفاده کن و روغن زیتون نیز همین حکم را دارد.

«وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقُطِينِيِّ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ وَقَعَتْ فَأْرَةٌ فِي خَائِبَةٍ - فِيهَا سَمْنٌ أَوْ رَيْتٌ فَمَا تَرَى فِي أَكْلِهِ - قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام لَا تَأْكُلْهُ - فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ الْفَأْرَةُ أَهْوَنُ عَلَيَّ - مِنْ أَنْ أَتْرَكَ طَعَامِي مِنْ أَجْلِهَا قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام - إِنَّكَ لَمْ تَشْتَخَفْ بِالْفَأْرَةِ وَ إِنَّمَا اسْتَخَفَقْتَ بِدِينِكَ - إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْمَيْتَةَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛ مردی نزد ابو جعفر عليه السلام آمد و گفت: یک موش در ظرفی که حاوی روغن یا چربی بود افتاد، نظر شما چیست در مورد خوردن آن؟ ابو جعفر عليه السلام پاسخ داد: آن را نخور. مرد گفت: برای من خوردن موش آسان‌تر است از اینکه بخوام غذایی را به خاطر آن ترک کنم. ابو جعفر عليه السلام فرمود: تو به موش بی‌احترامی نکردی، بلکه به دین خود بی‌احترامی کرده‌ای. به درستی که خداوند خوردن مردار را از هر چیزی حرام کرده است.

وَ عَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام

سُئِلَ عَنْ قَدْرِ طَبِخَتْ وَ إِذَا فِي الْقَدْرِ فَأَرَتْ - قَالَ يَهْرَاقُ مَرْقُهَا وَيُعَسَلُ اللَّحْمُ وَيُؤْكَلُ؛ از امام جعفر صادق عليه السلام از پدر بزرگوارشان نقل شده است که از حضرت علی عليه السلام درباره‌ی دیگ غذایی که در آن موشی افتاده باشد سوال شد. ایشان فرمودند: آب گوشت آن را دور بریزید و گوشت را بشویید و می‌توانید آن را بخورید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

۲-۱-۱. بررسی سندی روایات

جهت رعایت اختصار و مشابهت مفهومی روایات، فقط روایت اول مورد بررسی سندی قرار می‌گیرد.

روایت اول: در ابتدای روایت، شیخ طوسی رحمه الله قرار گرفته‌اند که از اجلای علمای شیعه هستند. ایشان با اسناد خود از حسین بن سعید نقل می‌کنند، این اسناد همان گونه که در مشیخه‌ی کتاب نفیس استبصار آمده است عبارت است از: «و ما ذکرته» عن الحسين بن سعيد، فقد أخبرني به الشيخ المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان رضي الله عنه و الحسين بن عبيد الله و أحمد بن عبدون كلهم عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه محمد بن الحسن بن الوليد، و أخبرني أيضا أبو الحسين بن أبي جيد القمي عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الحسين بن الحسن بن أبان عن الحسين بن سعيد، و رواه أيضا محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد» (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۲۰).

که خود عبارت است از چند زیر اسناد^۱: با توجه به عدم توثیق احمد بن محمد بن حسن بن ولید نمی‌توان به سه زیر اسناد اول اعتماد کرد.

بررسی زیر اسناد چهارم: (أبو الحسين بن أبي جيد القمي عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الحسين بن الحسن بن أبان عن الحسين بن سعيد) ابوالحسین بن ابی جید از مشایخ نجاشی بوده است^۲ و مشایخ نجاشی همگی ثقة هستند (سبحانی، ۱۴۴۰ق، ص ۲۹۲).

۱. منظور از زیر اسناد، اجزای متصل در یک اسناد است.

۲. ابن ابی جید از مشایخ مسلم نجاشی بوده و ده‌ها اثر حدیثی را نجاشی از وی دریافت کرده است و در ترجمه‌های افراد مختلف مانند ابراهیم بن ابی بلاد، اسحاق بن یزید کوفی، بسطام بن سabor و... با ادات تحمل (اخبرنا) در مورد ایشان، شاگردی خود از ایشان را ثابت کرده است.

حسین بن حسن بن ابان، توثیق صریح ندارد اما با توجه به اینکه واسطه‌ی مشایخ قم در نقل از حسین بن سعید اهوازی است (نجاشی، ۱۴۲۷ق، ص ۵۹)، اکثر روایت مشایخ قم از او می‌تواند دال بر توثیق او باشد.

محمد بن حسن بن ولید و حسین بن سعید اهوازی نیز از راویان بزرگ شیعه هستند که علما در وثاقت ایشان شکی ندارند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴۹)؛ بنابراین زیر اسناد چهارم، معتبر است.

در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که با توجه به معتبر بودن زیر اسناد چهارم، اسناد شیخ طوسی به حسین بن سعید معتبر است.

در ادامه‌ی سند روایت اول، محمد بن ابی عمیر و زراره قرار دارند که از بزرگترین علمای شیعه هستند و در وثاقت آنها شکی نیست. عمر بن اذینه نیز از علمای شیعه بوده که نجاشی او را از وجوه علمای بصره و شیخ طوسی او را ثقه می‌داند (نجاشی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۸۳؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۴)؛ بنابراین سند روایت اول معتبر است.

۲-۱-۲. بررسی دلالت روایات

با توجه به روایت اول، ملاک سرایت نجاست، مایع بودن است، بنابراین حکم سرایت مذکور در روایات اختصاص به موارد خاصی چون روغن یا خورشت ندارد، پس در صورت ملاقات نجاست با یک چیز، اگر آن ملاقی نجاست مایع باشد، نجاست در آن مایع سریان پیدا می‌کند و باید از آشامیدن آن اجتناب شود.

همچنین در این روایت، امام علیه السلام حکم حرمت اکل را به طبیعت روغن در صورت مایع بودن اختصاص داده‌اند، بنابراین اطلاق روایت که مقید به هیچ قید دیگری چون ظرف، مقدار و خصوصیات دیگر نشده است شامل روغن کثیر نیز می‌شود. پس روایات از جهت کثرت و قلت، مطلق بوده و تفاوتی میان آنها از جهت سرایت نجاست وجود ندارد (فاضل لنگرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۳۵).

پس به کمک این روایت، می‌توان دریافت که قاعده‌ی مایعات در برخورد با

نجاست، سرایت نجاست است و موارد آب مطلق که نجاست پس از تماس در آنها سریان نمی‌یابد استثنای قاعده هستند.

در روایت دوم، با توجه به تعلیل حرمت خوردن طعام از جهت خوردن میته، می‌توان دریافت که مورد سوال وقوع موش مرده در طعام است، بنابراین ظهور روایت در حرمت ناشی از سرایت نجاست، خلاف ظاهر است و دلیلی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۳۷)؛ بنابراین روایت دوم، دلالتی بر اثبات سرایت نجاست به ملاقی نجس در فرض کثرت ندارد. روایت سوم نیز مانند روایات اول دلالت آن بر سرایت، تام است.

۲-۲. فتاوی‌ای فقه‌های متقدم

حال به بررسی فتاوی‌ای چند تن از علمای سرشناس متقدم پرداخته می‌شود. محقق حلی در شرایع الاسلام درباره‌ی آب مضاف می‌فرماید: «هنگامی که آب مضاف با نجسی ملاقات کرد، اجماع بر این است که قلیل یا کثیر آن نجس می‌شود» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۷).

بنابراین از نظر ایشان میان آب مضاف کثیر و قلیل تفاوتی نیست و هر دو در اثر ملاقات نجاست، نجس می‌شوند. همچنین ایشان ادعای اجماع بر این مطلب دارند. علامه حلی در تذکره، در ارتباط با آب مضاف می‌فرماید: «اجماع فقه‌های ما بر این است که آب مضاف و همچنین مایعات غیر از آب در صورت اصابت به نجس، کم باشند یا زیاد، اوصافی از اوصاف سه گانه‌ی آن تغییر کند یا تغییر نکند نجس می‌شود» (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۳). این مطلب نیز صریح در نجاست آب مضاف و سایر مایعات (چه قلیل و چه کثیر) در اثر ملاقات با نجاسات، و ادعای اجماع بر این مطلب است.

شیخ طوسی نیز در المبسوط می‌فرماید: «فإذا وقعت فيه نجاسة لم يجز استعماله على حال سواء كان قليلاً أو كثيراً، و سواء كانت النجاسة قليلة أو كثيرة تغير أحد أوصافه أو لم يتغير» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵). این بیان نیز مانند بیان فقه‌های سابق الذکر، نص در نجاست انواع آب مضاف و سایر مایعات در ملاقات نجاسات است.

ابن ادریس حلی نیز مانند فقه‌های سابق معتقد به سرایت نجاست در آب مضاف کثیر

هستند، ایشان در کتاب سرائر می‌فرماید: «اگر شیء نجسی با آب مضاف مخلوط شد، چه قلیل باشد و چه کثیر، نجس می‌شود و در این مطلب اختلافی میان فقها وجود ندارد» (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۹).

فخرالمحققین نیز در این خصوص قائل به نجاست آب مضاف در اثر برخورد با شیء نجس هستند و این حکم را نسبت به آب مضاف قلیل و کثیر یکسان می‌دانند (حلی ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸).

۲-۳. اجماع

با توجه به بیانات فقهای متقدم که بیان شد و همچنین بررسی‌های انجام شده در فتاوی‌ای سایر فقها، نتیجه گرفته می‌شود که اجماع فقها بر این مطلب است که در حکم سرایت نجاست در مایعات تفاوتی میان قلیل و کثیر نیست همان‌گونه که تعبیر «عدم خلاف در میان فقها» و «اجماع فقها» در بیانات فقهای متقدم، شاهد بر این برداشت است. به‌عنوان مثال محقق حلی می‌فرماید: «هنگامی که آب مضاف با نجسی ملاقات کرد، اجماع بر این است که قلیل یا کثیر آن نجس می‌شود» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۷).

قائلین به سرایت نجاست در مایعات کثیر با کمک ادله‌ی فوق، یعنی اطلاق روایات مربوط به سرایت نجاست در انواع مایعات و همچنین اجماع فقها در عدم تفاوت میان آب مضاف کثیر و قلیل در سرایت نجاست، میان آب مضاف و مایعات کثیر و قلیل تفاوتی قائل نشده‌اند و حکم سرایت نجاست را در هر دو یکسان دانسته‌اند. محقق خویی، در موسوعه می‌فرماید: «صحیح این است که فرقی در انفعال مضاف میان کثیر و قلیل آن وجود ندارد. زیرا در روایات آसार، نجاست ملاقی (آب مضاف مرتبط با نجس) از آثار نجاست ملاقی (نجس) دانسته شده همان‌طور که این مطلب از موثقه‌ی عمار (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴، ۱۴۲، ح ۱)، فهمیده می‌شود که با عموم آن دلالت بر وجوب شستن هر آنچه متنجسی با آن ملاقات کرده می‌کند پس نجاست آن ملاقی (نجس یا متنجس) مقتضی نجاست تمام آن ملاقی (آب مضاف) است چه قلیل باشد و چه کثیر» (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۵).

همچنین ایشان برای این برداشت، مویدی نیز ذکر می‌کنند به این صورت که در یکی از روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ب ۱، ص ۲۲۶، ح ۷)، سؤر کلب در صورتی موجب نجاست مستسقی منه نمی‌شود که آن مستسقی منه حوض بزرگی باشد و متبادر به ذهن از این استثنا آب کر است؛ بنابراین در سایر موارد (آب قلیل، آب مضاف و سایر مایعات) سرایت نجاست صورت می‌گیرد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ب ۱، ص ۲۲۶، ح ۷).

همچنین ایشان با تکیه بر روایات و استفاده از روایات دیگری، دلیل دیگری نیز ذکر می‌کنند به این صورت که اگر در مایعات کثیر، سرایت نجاست به تمام قسمت‌های آن صورت نگیرد آن گاه بحث می‌شود که مقدار سرایت چقدر است؟ اگر گفته شود هیچ گونه سرائتی وجود ندارد که برخلاف ادله است و اگر مقادیر دیگری تعیین شود هیچ کدام نمی‌توانند مقدار یقینی باشند، بنابراین امر متعین در سرایت نجاست به تمام مایع است (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۸).

سید کاظم یزدی نیز در عروه، در بیان حکم آب مضاف در صورت ملاقات نجاست با این بیان که اگر ملاقی نجس مایع روان باشد در صورت ملاقات یک جزء آن با شیء نجس یا متنجس، همه اجزای آن متنجس خواهد شد، یک فرض را به این صورت که اگر ملاقی در قسمت بالا به نحو جریان باشد و با نجس در قسمت پایین، ملاقات کند یعنی روی شیء نجس ریخته شود را به عنوان استثنا ذکر می‌کنند و در این حالت مایع بالا یا پایین را در صورت داشتن فوران و جریان به سمت دیگر را نجس نمی‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶).

بنابراین طبق فتوای ایشان، هر چند آب مضاف کثیر باشد و آن نجاست قلیل، تمام آب مضاف نجس می‌شود. طبق فرمایش ایشان: «اگر آب مضاف با نجسی ملاقات کرد نجس می‌شود حتی اگر به مقدار هزار برابر حجم کر باشد و نجاست به اندازه‌ی سر سوزنی باشد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶). همچنین حکم سرایت در سایر مایعات - غیر از آب مطلق - را نیز مانند آب مضاف و آب قلیل دانسته و در تمامی مایعات هر چند مقدار آن زیاد باشد با اصابت کمترین مقدار نجس را ساری در تمام آن مایع می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۸).

پس بنابر نظر سید یزدی^۱، تفاوتی میان مقدار ملاقی نجس وجود ندارد؛ بنابراین در آب مضاف و مایعات کثیر با اتصال کمترین مقدار نجاست، سرایت نجاست محقق می‌شود و تمام آن مایع، نجس می‌شود. همچنین، امام خمینی^۲ در مسئله سرایت نجاست در تمامی مایعات و آب‌های مضاف، هم نظر با محقق یزدی هستند (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۱۱).

۳. ادله‌ی اثبات عدم سرایت نجاست در آب مضاف و مایعات کثیر ملاقی نجس

۳-۱. عدم دلالت روایات بر سرایت نجاست در مایعات کثیر

با بررسی روایات مرتبط با سرایت نجاست در مایعات، در کتاب الطهاره (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۵) و کتاب الاطعمه و الاشربه (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۱۹۴)، که برخی از آنها در ابتدای نوشتار آورده شدند، ملاحظه می‌شود موضوعات بیان شده از قیل زیت، سمن، قدر و ... همگی موضوعات جزئی بوده و حکم سرایت در آنها مربوط به مایعات قلیل است؛ بنابراین، شامل مایعات کثیر نبوده و سرایت در آنها را ثابت نمی‌کنند. همان‌گونه که مرحوم حکیم، نصوصی که در خصوص روغن، خورشت و مانند آن وارد شده‌اند را شامل موارد مایعات کثیر نمی‌دانند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۱۴).

همچنان که آیت‌الله مظاهری با وجود فتوای مشهور، بعید دانسته‌اند که روایات بتوانند فتوای مرحوم سید کاظم یزدی را در این خصوص، تأیید کنند (مظاهری، درس خارج، ۱۳۸۷/۸/۲۸).

همچنین در خصوص قید (إِنْ كَانَ ذَائِبًا فَلَا تَأْكُلُهُ) که در اولین روایت نوشتار آمده است، باید توجه داشت که مایع بودن شرطی برای ثبوت انفعال در سمن مطرح شده است نه به‌عنوان تعلیل در انفعال در سمن، در صورتی که بیان مطلب به‌صورت (السمن ینفعل لانه ذائب) باشد متفاوت است با صورتی که بیان به‌صورت (السمن اذا كان ذائبا ینفعل) زیرا در بیان اول، حکم مربوط به طبیعت هر مایع است و با الغاء خصوصیت از مورد، حکم دائر مدار علت که مایع بودن است قرار می‌گیرد.

اما در بیان دوم که مایع بودن به عنوان شرط برای انفعال سمن مطرح شده است، امکان تعدی وجود ندارد. زیرا مانند بیان (اذا كان العالم عادلا فاکرمه) که حکم فقط مربوط به علمای عادل است نه صرفا هر فرد عادل، فقط در خصوص سمن یا زیت مایع مطرح شده است (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۹، ص ۱۲۱).

بنابراین قید فوق، موجب کلیت موضوع حکم مطرح شده نمی شود و موضوع همچنان موارد جزئی و قلیل بوده و شرطی به عنوان مایع بودن به عنوان قید موضوع جزئی قرار گرفته است.

۳-۲. عدم تحقق اجماع در سرایت نجاست مایعات کثیر ملاقی نجس

با توجه به نقل روایات مطلق در خصوص سرایت نجاست و احتمال استناد به آنها در فتاوی فقهای متقدم، اجماع بیان شده در ادله ی قائلین به سرایت، محتمل المدرکی بوده و نمی تواند مورد اعتماد باشد همان طور که در این خصوص مرحوم حکیم، ثبوت اجماع بر سرایت در مایعات دارای فراوانی بیش از حد را، خلاف ظاهر دانسته اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۱۴).

بنابراین نتیجه می شود که ادله ای که برای اثبات سرایت نجاست در آب مضاف کثیر و مایعات آورده شده ناتمام هستند.

ثانیا با توجه به متن روایات که مورد بررسی قرار گرفت و همچنین تفاوت فضای جامعه در عصر فقهای متقدم که وجود مایعات کثیره بعید یا نادر به نظر می رسد و به نظر می آید که این موضوعات مورد توجه فقهای متقدم نبوده اند، احراز شمول معاهد اجماعات نسبت به مایعات کثیره قابل احراز نیست. پس عموم اجماع تا این حد محل تأمل است و شک در قلمرو اجماع به منزله ی خروج از قلمرو اجماع است.

۳-۳. انصراف روایات به سرایت نجاست در مایعات قلیل

در صورتی که بر خلاف دلیل اول عدم سرایت، شمولیت روایات نسبت به مایعات

کثیر، مورد پذیرش قرار گیرد، می‌توان از راه انصراف روایات به سرایت نجاست در مایعات قلیل، مطلوب را ثابت کرد.

همان‌گونه که در علم اصول فقه منقح شده است، هنگامی که انصراف ذهن از الفاظ به معانی مستند به ظهور آن الفاظ در معانی خود باشد، این انصراف مانع از شکل‌گیری اطلاق آن لفظ یا کلام می‌شود (مظفر، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰).

با دقت در روایات بیان شده در ابتدای نوشتار، و مشاهده‌ی موضوعات روایات که به‌طور عمده اموری نظیر زیت، سمن، قدر طبخت و ... که مایعات جزئی و قلیل هستند و نسبت به موارد کثیر ساکت هستند، ظهور روایات را در حکم به سرایت نجاست محدود به موارد قلیل می‌کند پس موجب انصراف روایات به مایعات قلیل می‌شوند؛ بنابراین احکام بیان شده در روایات در حکم به سرایت نجاست مربوط به مایعات قلیل بوده و شامل مایعات کثیر نمی‌شود^۱.

همچنین باید توجه داشت که هر چند سرایت امری تبعیدی است اما کیفیت آن تبعیدی نبوده و تابع قضاوت عرف است، و در مورد مایعات کثیر، عرف چنین سرائتی و تاثیری را نمی‌پذیرد (مشکینی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۴۶). بنابراین، انصراف ادله به موارد مایعات قلیل، مورد پذیرش عرف است.

۳-۴. اصالة الطهارة

طبق این اصل، هر چیزی تا وقتی که نجاستش ثابت نگردد، محکوم به پاکی است؛ به عبارت دیگر هر چیزی که در پاکی آن شک شود، اصل این است که پاک باشد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۶). البته به این شرط که وضعیت سابق آن معلوم نبوده و یا اصل موضوعی، مانند اصل عدم تذکیه، در کار نباشد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۸)؛ بنابراین، اگر چیزی که پاک بودن آن مشکوک است قبلاً نجس بوده باشد؛ «استصحاب نجاست» بر

۱. باید توجه داشت که انصراف، فقط مانع از اطلاق در مفردات نیست بلکه از اطلاقات جملات نیز جلوگیری می‌کند زیرا اطلاق در جملات نیز محقق می‌شود. برای مطالعه در خصوص اطلاق در جملات، رجوع شود به اصول فقه، ص ۱۸۵

قاعده طهارت حاکم خواهد بود و مانع اجرای آن می‌شود.

در معتبر بودن این اصل، هیچ اختلافی میان فقها وجود ندارد. بسیاری از فقها اصل طهارت را آنچنان مسلّم می‌دانند که حتی استدلالی برای معتبر بودن این قاعده بیان نکرده و آن را از ضروریات فقه می‌دانند (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۶).

البته مدرک اصلی اعتبار قاعده طهارت روایاتی در این زمینه است که در ذیل، به دو نمونه اشاره می‌شود:

نمونه اول: امام صادق علیه السلام فرمودند: «...هر چیزی پاک است تا زمانی که علم به پلیدی آن پیدا کنی، پس هرگاه که یقین [به پلیدی و نجاست] پیدا کردی، ناپاک خواهد بود و تا زمانی که یقین پیدا نکرده‌ای، چیزی بر عهده تو نیست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۵). این روایت، از مهمترین دلایل برای اثبات اصالت طهارت است؛ زیرا هم دارای سندی معتبر است و هم دلالتش بر قاعده طهارت کامل است.

نمونه دوم: شیخ صدوق روایتی دیگر، نزدیک به این مضمون را در کتاب المقنع، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «همه چیز تا زمانی که علم به ناپاکی آن پیدا نکرده‌ای، برای تو پاک است (قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵).

بنابر روایات فوق که منابع اصلی طهارت هستند، تا زمانی که علم و قطع به نجاست چیزی پیدا نشود، حکم به طهارت آن می‌شود.

پس با توجه به عدم اثبات نجاست مایعات کثیر در برخورد با نجاست، و نبودن حالت سابقه‌ی نجاست در آنها، اصل طهارت جاری می‌شود و حکم به طهارت آن داده می‌شود. همان‌طور که مرحوم حکیم می‌فرماید:

به دلیل نداشتن ادله لفظیه حکم به سرایت نجاست در مورد مایعات کثیری چون حجم بسیار چاه‌های نفت، عمده‌ترین دلیل بر سرایت، اجماع است و عموم اجماع تا این حد محل تأمل است زیرا شک در قلمرو اجماع یعنی خروج از قلمرو اجماع؛ بنابراین با توجه به عدم دلیل بر سرایت، اصالة الطهاره جاری می‌کنیم^۱ (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۱۴).

۱. درس خارج استاد مصطفوی در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۵ در سایت مدرسه فقاقت.

۳-۵. استصحاب طهارت

در مسئله‌ی مورد بررسی، حالت سابقه‌ی مایع، طهارت است و حالت نجاست برای مایع ثابت نشده است و با توجه به فراهم بودن ارکان استصحاب یعنی یقین به حالت سابقه و شک در بقای آن، فعلیت یقین در ظرف شک و تعدد زمان متیقن و مشکوک، استصحاب طهارت جاری شده و حکم به طهارت مایع مورد بحث، می‌شود.

بنابراین پس از ناتمام بودن ادله‌ی قائلین به سرایت نجاست در مایعات کثیر، و با توجه جزئی بودن موضوعات روایات سرایت و انصراف آنها نسبت به سرایت نجاست در مایعات قلیل و عدم مساعدت عرف بر سرایت در مایعات کثیر، با کمک قاعده‌ی طهارت و استصحاب طهارت، نتیجه می‌شود که میان مایعات قلیل و کثیر تفاوت وجود دارد و حکم سرایت نجاست در تمام مایع، مربوط به مایعات قلیل است و در مایعات کثیر، غیر از قسمتی که نجاست در آن قرار گرفته و مقداری از اطراف آن، سایر قسمت‌ها پاک هستند.

برخی مراجع تقلید هم در باب سرایت نجاست در آب مضاف کثیر، فتوا به طهارت آن داده‌اند و نجاست را فقط مختص قسمتی می‌دانند که شیء نجس در آن قرار گرفته است.

به عنوان مثال آیت‌الله مکارم شیرازی، در پاسخ به پرسشی در مورد نجس شدن گوشه‌ای از استخری از آب مضاف می‌فرماید: «تنها همان گوشه‌ای که مثلاً قطره‌ی خونی در آن افتاده، و اطرافش نجس می‌شوند ولی به بقیه‌ی استخر سرایت نمی‌کند» (old.makarem.ir).

آیت‌الله مظاهری در درس خارج خود می‌فرماید: «خیلی بعید است که انسان ملتزم بشود به سرایت نجاست در مثل یک رودخانه‌ی گل آلود که به حد آب مضاف رسیده است»^۱.

در ضمن لازم است به این نکته توجه شود که در عصر حاضر به برخی مواردی که

۱. درس خارج آیت‌الله العظمی مظاهری مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۸ با اندکی تغییر

در گذشته آب مضاف گفته می‌شد در حال حاضر آب مضاف اطلاق نمی‌شود. در این باره آیت الله جزایری می‌فرماید:

«البتة ما گلاب‌های فعلی را مضاف نمی‌دانیم. گلاب سابقاً عصاره گل بود. اگر به آن قدری آب، اضافه می‌کردند یا نمی‌کردند، در هر صورت شکی در مضاف بودنش نبود. اما الآن در مقدار زیادی آب، گل می‌اندازند و بر آتش می‌گذارند تا جوش بیاید. در ظرف بسته است و بخار آن از طریق لوله درازی خنک شده و به صورت مایع در می‌آید. حاصل همان گلابی است که در اثر اختلاط با گُل، اکتساب رائحه کرده است. این کار آب را از صدق مطلق خارج نمی‌کند. حقیقت آب، هنوز در آن باقی و عمده محصول همان آب است. ذراتی هم که با آن مخلوط و موجب رائحه شده، بسیار مختصرند.

این نکته قابل تعمیم بر همه عرقیات است. هرچند در عرف به این محصول، آب نمی‌گویند؛ ولی با توضیح مطلب، در نظر عرف این آب هم مطلق خواهد بود؛ مثل آب دریا که با آن همه نمک، باز هم به آن آب گفته می‌شود؛ همچنین است آبی که در فصل زمستان با گِل مخلوط می‌شود و کاملاً به رنگ قهوه‌ای در می‌آید؛ اما با این حال آب مطلق است، این عنوان تأثیری در حکم ندارند؛ مثل گندم که نامش آرد می‌شود. اگر گندم نجسی، آرد شود، ماهیتش عوض نخواهد شد؛ یا اگر آرد را خمیر کردیم یا با خمیر نان پختیم، باز هم ماهیت تغییر نمی‌کند. این عنوان با علم به بقاء حقیقت، تأثیری در نتیجه ندارند».^۱

۴. دیدگاه برگزیده

مقام بیان و مورد روایات مبین سرایت نجاست باتوجه به موضوعاتشان، در خصوص سرایت نجاست در مایعات قلیل مانند روغن، خورشت و ... است و سرایت نجاست در مواردی مانند حجیم لبنیات در کارخانه‌ها، عصاره گیاهان و ... را نمی‌توان از اطلاق

۱. در خارج آیت الله موسوی جزایری مورخ ۹۹/۹/۳ در سایت مدرسه فقاهاست.

روایات فهمید. در خصوص اجماع بیان شده بر سرایت نیز با توجه به منقول بودن آن و همچنین محتمل‌المدرکی بودن آن با وجود روایات، و همچنین شک در شمول معاهد اجاعات نسبت به مایعات کثیر، اجماع از حجیت ساقط می‌شود.

باتوجه به عدم تمامیت ادله سرایت نجاست در مایعات کثیر و انصراف روایات به سرایت نجاست در مایعات قلیل، با استفاده از اصل طهارت و استصحاب آن، نهایتاً می‌توان حکم به عدم سرایت نجاست در مایعات کثیر و آب‌های مضاف را پذیرفت.

در نتیجه، هنگام اتصال شیء نجس با مایع یا آب مضاف کثیر، به جز اطراف قسمت متصل با نجس، سرایت نجاست در سایر قسمت‌ها رخ نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری

ادله‌ی ادعای دلالت بر سرایت نجاست مایعات کثیر ملاقی نجس مانند اجماع یا دلالت برخی روایات، تام نبوده و با توجه به مدرکی و منقول بودن اجماع، و همچنین شک در شمول اجماع‌ات نسبت به مایعات کثیر، و عدم شمول روایات نسبت به مایعات کثیر، به دلیل جزئی بودن موضوعاتشان، شامل مایعات کثیر نمی‌شوند. با توجه به ادله‌ی عدم سرایت نجاست در مایعات کثیر، یعنی عدم شمول روایات نسبت به مایعات کثیر به دلیل جزئی بودن موضوعات روایات، انصراف روایات دال بر سرایت به مایعات قلیل، و نهایتاً قاعده‌ی طهارت و استصحاب آن، می‌توان نتیجه گرفت که نجاست، قدرت سرایت در تمامی بخش‌های آب مضاف یا مایعات کثیر را ندارد و تنها می‌تواند همان قسمتی که ماده‌ی نجس در آن قرار گرفته، و اطراف آن را نجس کند. هر چند این نظریه، خلاف مشهور فقهاست، زیرا مشهور فقها قائل به سرایت نجاست در تمامی مایعات کثیر هستند.

بنابراین در مواردی چون مقادیر بسیار زیاد لبنیات مایع، نوشیدنی‌ها، عصاره‌های گیاهان، لوازم آرایشی مایع، مواد شوینده و ... سرایت نجاست صورت نمی‌گیرد و حرجی نیز در پی ندارد.

فهرست منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب (ج ۹، چاپ اول). بیروت: دارالفکر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (ج ۱، ۲۴، چاپ سوم). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
- حلی، ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (ج ۱، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (ط - الحديثه). (ج ۱، چاپ اول)، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حلی، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (ج ۱، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۴۰ق). کلیات فی علم الرجال (چاپ هشتم). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۳۴ق). موسوعة الشهيد السيد محمد باقر الصدر (ج ۹، چاپ دوم). قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (دارالصدر).
- طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه دار التفسیر.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی (ج ۱، چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (ج ۱، چاپ چهارم). تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط في فقه الإمامية (ج ۱، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (چاپ اول). قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۳۶۳). الاستبصار فيما اختلف من الأخبار (ج ۴، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلاميه.

فاضل موحدي لنكراني، محمد. (۱۴۳۲ق). تفصيل الشريعة (الطهارة). (ج ۱، چاپ اول). قم: مركز فقه الأئمة الأطهار عليه السلام.

قمي، محمد بن علي بن بابويه. (۱۴۱۵ق). المقنع (للشيخ الصدوق). (چاپ اول). قم: مؤسسه امام هادي عليه السلام.

مشكيني، علي. (۱۴۳۲ق). التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسية (ج ۱، بی‌چا). قم: دارالحديث.

مصطفوی، سيد محمد كاظم. (۱۴۲۱ق). القواعد الفقيهيه (مائة قاعدة فقهية). (چاپ چهارم). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

مصطفی، ابراهيم؛ زیارت، احمد حسن. (۱۹۸۹م). معجم الوسيط (ج ۲، چاپ اول). استانبول: انتشارات دارالدعوة.

مظفر، محمدرضا. (۱۳۹۶) اصول الفقه (چاپ هفدهم). قم: انتشارات بوستان كتاب. موسوی خمینی، روح الله. (۱۴۳۴ق). تحرير الوسيلة (ج ۱، ۳۲، چاپ سوم). تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی عليه السلام.

موسوی خویی، سيد ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئي (ج ۲، بی‌چا). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي.

نجاشي، احمد بن علي بن احمد بن عباس. (۱۴۲۷ق). رجال النجاشي (چاپ هشتم). قم: مؤسسه النشر الاسلامي.

پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

مکارم شیرازی، ناصر. پایگاه اطلاع‌رسانی old.makarem.ir
مدرسه فقهت eshia.ir (دروس خارج آیات عظام مظاهری و جزایری).

۱۳۶

فقه

سال سی و دوم، شماره دوم (پیاپی ۱۲۲)، تابستان ۱۴۰۴

References

- al-Qummi, M. b. A. b. B. (1994). Al-Muqni' (by al-Shaykh al-Saduq) (1st ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
- Fadil Muwahhidi Lankarani, M. (2011). Tafsil al-Shari'ah (al-Taharah) (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Markaz Fiqh al-A'immah al-Athar. [In Arabic]
- Fiqahat school. (n.d.). Eshia.ir: External jurisprudential lectures by Ayatollahs Mazaheri and Jazairi. Retrieved from <https://eshia.ir> [In Persian]
- Hilli, H. b. Y. b. M. Asadi. (1993). Tadhkirat al-Fuqaha' (Modern ed., Vol. 1, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Hilli, M. b. H. b. Y. (1967). Idah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Isma'iliyan. [In Arabic]
- Hurr 'Amili, M. b. H. (1989). Tafsil Wasa'il al-Shi'ah ila Tahsil Masa'il al-Shari'ah (Vols. 1, 24, 3rd ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Ibn Idris Hilli, M. b. M. b. A. (1990). Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawa (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]
- Ibn Manzur, M. b. M. (n.d.). Lisan al-'Arab (Vol. 9, 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (n.d.). Ayatollah Makarem Shirazi's official website. Retrieved from <https://old.makarem.ir> [In Persian]
- Meshkini, 'A. (2011). Al-Ta'liqat al-Istidlaliyyah 'ala Tahrir al-Wasilah (Vol. 1, n.e.). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Muhaqqiq Hilli, J. b. H. (1988). Sharayi' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Isma'iliyan. [In Arabic]
- Musawi Khoei, S. A. (1997). Mawsu'at al-Imam al-Khui (Vol. 2, n.e.). Qom: Institute for the Revival of Imam Khoei's Works. [In Arabic]
- Musawi Khomeini, R. (2013). Tahrir al-Wasilah (Vols. 1, 32, 3rd ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]

- Mustafa, I., & Zayyat, A. H. (1989). *Al-Mu'jam al-Wasit* (Vol. 2, 1st ed.). Istanbul: Dar al-Da'wah Publications. [In Arabic]
- Mustafawi, S. M. K. (2000). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah* (Mi'at Qa'idah Fiqhiyyah) (4th ed.). Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]
- Muzaffar, M. R. (2017). *Usul al-Fiqh* (17th ed.). Qom: Bustan-e Ketab Publications. [In Arabic]
- Najashi, A. (2006). *Rijal al-Najashi* (8th ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Sadr, S. M. B. (2013). *Mawsu'at al-Shahid al-Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr* (Vol. 9, 2nd ed.). Qom: Shahid Sadr Research Center (Dar al-Sadr). [In Arabic]
- Sbhani, J. (2018). *Kulliyat fi 'Ilm al-Rijal* (8th ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
- Tabataba'i Hakim, S. M. (1995). *Mustamsak al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Dar al-Tafsir. [In Arabic]
- Tabataba'i Yazdi, S. M. K. (1989). *Al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 1, 2nd ed.). Beirut: Al-A'jami Foundation. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1967). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (Vol. 1, 3rd ed.). Tehran: Al-Maktabah al-Murtadawiyyah. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1984). *Al-Istibsar fima Ikhtalafa min al-Akhbar* (Vol. 4, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1987). *Tahdhib al-Ahkam* (Vol. 1, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (2000). *Fihrist Kutub al-Shi'ah wa Usulihim wa Asma' al-Musannifin wa Ashab al-Usul* (1st ed.). Qom: Maktabat al-Muhaqqiq al-Tabataba'i. [In Arabic]